

هو الاخط

سبحانك اللهم يا من لا يشبهك وكل شيء على انك انت انت
 لا اله الا انت وحدك لا شريك لك لك الملك والملكوت
 ولك العزوة بجزوت ولك القدرة والآهوت ولك العروة
 والياقوت ولك السلطنة والناسوت ولك العزة والبال
 ولك الوجوه والجمال ولك الظلعة والجمال ولك العروة والجمال
 ولك الهيبة والمثال ولك العظمة والاستقلال ولك
 الكبرياء والكرامات والفضل والفضل والفضل

والعدل والكميل والامثال ولكل المواقف والاجل
 ولك العزة والامتناع ولك القوة والارتفاع ولك البهجة
 والابتهاج ولك راحة جسيمة ونجاسة في ملكوت الامر والحق
 بل كنت الحيا واحده احمد احمد افراد حيا فستروا وانما امر
 معا ليا معنهما اتخذت لنفسك صاحبه ولا ولد ان خلقت كل شئ
 تقديرا يحيى ويميت ثم يميت ويحيى وانك اننت حتى لا تموت ولك
 لا تموت وعدل لا تجرد وسلطان لا تحول فمنه والبعوت عن
 قبضتك من شئ لاني اسوات ولا في الارض ولا في السما
 تخلق ما تشاء بامرك انك كنت على كل شئ قديرا صفيو كاش
 ش

شده و را عالم و ناظر گشته اینک ذکر از رسیدن مخلوط
 شده نه این است که ذکر نشد و باشد بن شده و در رسید
 و هیچ حال خیال هنر ننموده که آنچه حضرت زین العابدین
 فرموده غیر است امیدوار بقصص آنی بوده که هر هنر در هر شان
 مرتفع شود در هر شان نور چشم میرزا جواد را امید نموده که صحت
 همه کی را نوشته باشد آنچه خواهد گرفته و هر گاه از زود بماند
 بیاید بنویسد بیاد زنده و اگر از این سمت است ذکر نموده
 که خواهد رسید معظمه و اله را که ذکر نمود بود چیزی آید
 در هر حال وجود شد یقین ایشان را با کل حفظ نشدند

هرگاه ضرفی مینسه رافع خواهند بود و هر جا که مخزون نباشند
 محل سکون باشد و بجای قلمکار را صرف نمایند و کران هم منزل اول
 نیست و محسن و شیر که خواسته بودید فرستاده شد با یک
 شیشه عطر حضور معطر شده سه هفته امتداد کرد شود و کل بر اندر کران باشد

نویجات مبارک که برب و سوسو خراب است با تمام حاج میر حسین است
 سدره مبارک که خدا و امستولی امیرین مبارک شیه راز از روح جعوظ
 متعه حضرت علی بن ابی طالب و سواد است او بدانی خیر است و شیرازی است
 نمود شهر احمد ۱۹۹۹